

از : عبدالرحیم ذاکر حسین

هتک حرمت بشر

از بردگی در حقوق و روابط بین الملل تا تبعیض در حقوق و عملکرد داخلی ملل

مقدمه

تعریف برده - «برده یا بنده کسی است که وجودش متعلق به دیگری باشد و مالک حق استفاده و تمتع از کار او داشته و قابل انتقال و خرید و فروش باشد و جزء دارائی و ماترک محسوب بشود» (۱).

پیشینه بردگی - «رسم برده و کنیز داشتن از عهد باستان تا قرون اخیر در تمام اقوام شرق و غرب رواج داشته و منشاء آن جنگ و پیروزی و حق غنیمت و اسارت بوده است» (۲). در مغرب زمین از یونان باستان و رم قدیم گرفته تا کشورهای جدید اروپا، بردگی همواره وسیله استثمار و استعمار بوده است. یعنی توده‌های عظیمی از حقوق ملی و انسانی محروم می‌شدند و به‌عنوان برده و غلام در مزارع و معادن و کشتی‌ها به‌اعمال شاقه اشتغال داشتند. در یونان قدیم حکیم بزرگواری مانند ارسطو در کتاب «سیاست» خود می‌نویسد: «بحکم قوانین طبیعت برخی از آدمیان آزاد به جهان آمده‌اند و گروهی دیگر برای بندگی ساخته شده‌اند و بندگی برای آنان هم سودمند است و هم‌روا» (۳).

اما در اسلام رفتار با بردگان غالباً بسیار انسانی بوده و برده به‌مثابه عضو خانواده بشمار می‌آمده است و در نهایت توصیه‌های موکدی در آزاد ساختن برده شده است. مسائل مربوط به بردگی در اسلام پر دامنه و تفصیلات

آن از حوصله مقاله حاضر خارج است. نوشته حاضر منحصر به بردگی در عصر استعمار است که پدیده‌های ساخته و پرداخته اروپائیان بوده و نگارش آن در دو قسمت انجام شده است: قسمت اول راجع است به بردگی کشیدن سیاهان و تجارت آنان و طرز زندگیشان و قسمت دوم مربوط به علل و موجبات الغاء و امحاء بردگی می‌باشد.

یکم

اکتشافات دریائی و آغاز بردگی

بردگی در عصر استعمار، با اکتشافات جغرافیائی دریائی که از قرن پانزدهم میلادی آغاز شده همراه و توأم است. در صدر استعمارگران برده‌دار، دو کشور پرتغال و اسپانیا قرار داشتند که نخستین مکتشفین دریائی بوده‌اند و در اینجا به بررسی اقدامات هر یک از این دو کشور در زمینه بردگی می‌پردازیم:

الف - پرتغال و بردگی - پرتغالیان نخستین اروپائیان بودند که سواحل غربی آفریقا را پیموده و ایستگاههای تجاری برای خود بنا نموده بودند و نیز نخستین اروپائیان بودند که مستقیماً برای بدست آوردن بردگان سیاه به آفریقا رفتند. پرتغالیان در حدود سنه ۱۴۲۰ میلادی در آفریقا پیاده شدند و نظام بردگی را پی نهادند. «پرتغالیان برای دستگیری و بدام انداختن سیاهان، خود را پنهان می‌کردند و در کمین مردان و زنان سیاه می‌نشستند. همینکه سیاهان بیچاره از کلبه‌های خود بیرون می‌آمدند و در بیشه‌ای برای اجابت مزاج می‌رفتند آنان را می‌ربودند» (ع). شیوه مزبور تا پیش از کشف آمریکا (۱۴۹۲) معمول بود. پس از کشف آمریکا، بردگان در گروه‌های کثیر و بطور روزافزون از گینه واقع در

ساحل غربی افریقا، شکار می‌شدند. در نتیجه پس از مدتی، سیاهان مقاومت سختی از خود بروز دادند به گونه‌ای که دیگر دزدیدن و ربودن آنان مقرون به صرفه نبود، بجای این شیوه، سیاهان را می‌خریدند یا با اجناس معامله می‌کردند. تجارت برده اندک اندک به صورت یک تفریح مردم‌پسند درآمد به اینگونه که: «وقتی کشتی حامل برده نزدیک به کرانه‌ای از ساحل غربی می‌رسید، با شلیک یک تیر توپ، ورود خود را علامت میداد و این صدا مردم را دسته دسته به ساحل دریا یا لب رودخانه می‌کشاند. ناخدا و سایر کارکنان کشتی با قایق در خشکی پیدا می‌شدند و پس از گفتگوهای با سرکرده محلی، بر تخت روان نشسته و حمالان سیاه آنرا بداخل قبیله می‌بردند. در آنجا ناخدا اسیران را می‌گرفت و به‌ازاء آنان ابزار و آلات و نوشابه‌های الکلی و تنباکو تحویل می‌داد» (۵).

پایای توسعه این تجارت، رفته رفته، بازرگانان بومی، زحمت ناخدایان کشتیها را کم کردند و از ائتلاف وقت آنان جلوگیری نمودند. اینان خودشان کالاهای تجارتهای را از کشتیها نسپه می‌خریدند و معامله لازم را با رئیس قبیله انجام می‌دادند. «برندگان اسیر را به‌اردوگاه می‌فرستادند و در آنجا مانند اجناس بازرگانی علامت‌های مخصوص روی بدنشان حک می‌کردند، بعد به‌زنجیر می‌کشیدند و در انبارهای کشتی می‌انداختند. در نتیجه ترس و بیمی سراپای وجود سیاهان را فرامی‌گرفت و تصور می‌کردند که اروپائیان آنان را خواهند خورد و مغزهایشان را برای صابون سفیدپوستان بکار خواهند برد، از اینرو از خوردن غذا خودداری می‌کردند و بدینجهت برده‌فروشان با زور دهانشان را باز می‌کردند و نوعی باقلای درشت دردهان آنان می‌گذاشتند که معمولاً جلوی اسب ریخته می‌شد» (۶). این تجارت تا سال ۱۵۸۰ در انحصار پرتغال قرار داشت. سپس کشورهای دیگر اروپائی نیز که برای تسلط بر دریاهای مبارزه

۵- تاریخ تجارت. اریک. ن. سیمونز. ترجمه ابوالقاسم حالت. ص ۱۰۵.

۶- تاریخ تجارت: اریک. ن. سیمونز، ترجمه ابوالقاسم حالت ص ۱۰۶.

می‌کردند توجه خود را به آفریقا معطوف داشتند و در این تجارت ننگین وارد شدند.

ب - اسپانیا و بردگی - اسپانیاییها بمحض ورود به قاره جدید (اسپانیا مانند پرتغالیان به اکتشافات جغرافیائی دریائی دست‌بکار بودند)، مبارزه خونین و دامنه‌داری را به منظور تبلیغ و انتشار دین مسیح و انقیاد سرخپوستان شروع کردند ولی با مقاومت شدید سرخپوستان مواجه گردیدند و نتیجه این مقاومت و زدوخوردها از بین رفتن نژاد سرخ بود. برای التیام و جبران این انهدام نفوس انسانی بود که اسپانیاییها به فکر افتادند ضایعات و تلفات سرخپوستان را از سیاهان آفریقائی جبران نمایند یعنی از سیاهان برای کار در آمریکا استفاده کنند. در تأمین این منظور خرید و فروش سیاهان آفریقا را آغاز نمودند و به همین جهت «فردیناند» و «ایزابل» پادشاه و ملکه اسپانیا در سال ۱۵۰۱ به حکمران «هلیسپانیولا» (جزیره‌ای نزدیک تائیتی) فرمان دادند که واردات سیاه را بر بردگان یهود و مور "Maure" ترجیح بدهد ولی پس از مرگ ایزابل در سال ۱۵۱۰، فردیناند شخصاً این تجارت را بعهدہ گرفت و اجازه داد که از سیاهان برای رفع نیاز مندیهای عمومی از قبیل استخراج معادن و ساختن استحکامات استفاده شود. خانواده‌های مهاجر تقاضا و اصرار می‌کردند که اجازه حمل برده را برای خود اخذ نمایند.

اولین اقدام مالی در سال ۱۵۱۳ صورت گرفت و آن صدور جواز حمل برده به آمریکا بود که در برابر هر پروانه حمل یک برده ۲ دوکا "gucat" دریافت می‌شد و این عوارض علاوه بر حقوق گمرکی به میزان ارزش متاع بود!!

«اسینتو» - شارلکن (شارل پنجم) پادشاه اسپانیا در ۱۵۱۶ و امپراتور آلمان در ۱۵۱۹ به‌ندما و اشخاص مورد توجه خود پروانه واردات برده به مستملکات اسپانیا صادر می‌کرد که مهمترین این اجازه‌نامه‌ها در سال ۱۵۱۸ به منظور وارد کردن چهار هزار برده به مستملکات اسپانیا صادر شد و در آن شرط شده بود که بایستی این بردگان عیسوی باشند یا بمحض ورود،

آنان را غسل تعمید بدهند و چون پادشاه در این معامله برای خود حقی منظور نکرده بود این خود گذشت بزرگی محسوب می‌شد. در سال ۱۵۲۸ اولین قرارداد رسمی بین حکومت اسپانیا و بازرگانان برده‌فروش امضاء شد و این قرارداد بنام «آسینتو» - Assiento - مشهور گردید.

«آسینتو» اصطلاح حقوق عمومی اسپانیا بوده و «به قراردادهائی اطلاق می‌شد که به منظور منافع عمومی و برای ادارهٔ يك خدمت همگانی یا اجازه يك مالیات بین حکومت اسپانیا و اشخاص طبیعی منعقد می‌گردید وابتدا به منظور بهره‌برداری و استعمار سرزمین‌های وسیعی که توسط کریستف کلمب کشف شده بود دولت اسپانیا قراردادهائی با بعضی از اتباع کشور منعقد می‌کرد و آن اشخاص برای کشف سرزمین‌های جدید و مستعد کردن زمین برای کشاورزان و اسکان مهاجرین اقدام می‌کردند و چون مهاجرنشین‌های اسپانیا قادر نبودند شخصاً سرزمین‌های وسیع را قابل کشت و زرع نمایند و از معادن آن بهره‌برداری کنند و کانونهای طلاکشف و زراعت نیشکر معمول و متداول شده بود و [از طرف دیگر] بومیهای آمریکا... مرگ را بر کار در مزارع و معادن ترجیح می‌دادند لذا برای حل این مشکل، ب فکر استثمار کارگران سیاه افتادند. زیرا ارزش کار يك سیاه‌پوست برابر با ارزش کار چهار بومی و از طرفی آب و هوای نواحی مزبور بقدری سالم بود که «هرارتورد نیلاس» وقایع‌نگار رسمی و سلطنتی و مورخ اسپانیائی می‌نویسد: «آب و هوای آمریکا همانطور که برای درختان پرتغال مفید است برای سیاهان نیز مناسب می‌باشد» و به علت استقبال از استثمار کارگران سیاه، «آسینتوی» بردگان سیاه بوجود آمد. نظر به اینکه از دورهٔ روم قدیم در اروپا بردگی قطع نشده بود و بردگان بسیاری در اسپانیا و پرتغال و ترکیه و خاور دور وجود داشتند که مشتمل بر بردگان مور و بردگان سیاه‌پوستی بودند که با تأسیس کمپانی خرید برده «لوآنگو Loango» در ۱۴۶۰ از سواحل افریقا بدست آورده بودند لذا برای اولین بار اعزام بردگان از کشورهای اروپائی صورت می‌گرفت ولی بزودی دریافتند که شمار این بردگان کافی نیست و در نتیجه به نسبتی که فشار

سرنیزه اسپانیا گسترش می‌یافت نیاز بکارگران جدید نیز فزونی می‌گرفت. ملوانان اسپانیا و پرتغال چون امواج خروشان به تمام کرانه‌های افریقا هجوم آوردند. آنها به جزایر قناری و بنادر آن نواحی تا سرزمین‌های مجاور خلیج گینه پیش رفتند. می‌کوشیدند با تماس مداوم و آشنائی و تقدیم هدایا و سائل دادوستد بردگان را برقرار سازند. آنان افریقائیها را به اروپا برده و به کار و خدمت وامیداشتند و باین عمل تصور می‌کردند که به ثوابی رسیده‌اند زیرا بت پرستانی را به دین مسیح واداشته بودند و در بازارهای اروپا برده‌فروشی نفع پرسود محسوب می‌گردید» (۷).

مبحث دوم: اصل آزادی دریانوردی و داخل شدن دیگر کشورهای اروپائی در امر تجارت برده تا هنگامیکه مالکیت انحصاری بر دریاها به وسیله دو کشور اسپانیا و پرتغال اعمال می‌گردید، تجارت برده منحصر به همین دو کشور بود، لکن پس از رواج اصل آزادی دریانوردی و شکست نیروی دریائی اسپانیا، کشورهای دیگری از اروپا مانند هلند، انگلیس و فرانسه نیز فرصتی یافتند که به دریاها داخل شوند. اینکشورها که بقول فالکنر هر کدام درصدد برآمده بودند که در قاره آمریکا یک هلند جدید یا یک انگلستان جدید و یک فرانسه جدید بسازند ناگزیر شدند برای انجام امور احداث شهرها و سایر امور مربوطه از کار یدی استفاده کنند که از دست بومیان (سرخپوستان) سرزمین‌های بر جدید (آمریکا) ساخته نبود لذا این هر سه کشور نیز مانند اسپانیا و پرتغال متوجه افریقا و به برده کشیدن مردم این قاره شدند. یک رشته مراکز تجاری و دژهای نظامی برای جمع‌آوری و صدور اسیران و بردگان در سرتاسر طول کرانه غربی افریقا از سنگال تا آنگولا بوجود آوردند و هزاران سیاه‌پوست را یا زر خرید کرده یا به جبر و عنف از اوطان خود خارج ساختند. نظر به اینکه این سه کشور (هلند، انگلیس و فرانسه) در مورد بردگان از شیوه واحدی پیروی می‌کردند لذا شرح اعمال آنان را در این مبحث به صورت کلی می‌آوریم:

انگلیس‌ها پس از شکست دادن اسپانیائی‌ها و امضای معاهده ۱۶۷۰ مادرید حاکمیت خود را در جامائیکا مستقر ساختند و بلافاصله کشت نیشکر را در این منطقه رواج و توسعه دادند. کشتزارهای قدیمی تبدیل به مزارع نیشکر شدند، لکن به علت کمی جمعیت در منطقه و بالا بودن نسبی سطح دستمزد کارگران سفیدپوست، مالکین بزرگ مزارع نیشکر در صدد پیدا کردن کارگران ارزان قیمت برآمده و زود متوجه گشتند که بهترین راه حل استفاده از کارگران سیاه پوست است. این امر خود به بردگی کشیدن تعداد بیشتری از افریقائیان منجر گردید. به این ترتیب توسعه کشاورزی در جامائیکا بستگی مستقیم با کار کارگران سیاه پوست در مزارع نیشکریافت، و از این رهگذر، تجارت برده از پردرآمدترین تجارت‌ها برای تجار انگلیسی و چندین شرکت که این تجارت را در دست داشتند شد. ولی دولت برای جلوگیری از سقوط قیمت مثل گذشته، شرکت‌های نیمه رسمی بوجود آورد. از شرکت‌هایی که در آن زمان برای این تجارت تخصص پیدا کرد، کمپانی سلطنتی افریقائی انگلیس می‌باشد که در سال ۱۶۷۲ یک امتیاز ۱۰۰۰ ساله گرفت (۸). می‌گویند این شرکت بطور متوسط در سال ۵۰۰۰ برده خرید و فروش می‌کرده و هر برده را به ۳ لیره خریداری کرده و به ۱۶ لیره می‌فروخته است ولی عملاً کمپانی آهن سفید، شیشه‌های رنگی، قلع و اشیائی از این قبیل بجای قیمت برده می‌پرداخت (۸). برای اینکه بتوانند بردگان را به بهای زیادتری به فروش برسانند ریش آنها را می‌تراشیدند و با صابون و نخلزیتون آنها را شستشو میدادند و عضلات بازو و سینه آنها را با روغن‌های مخصوص ماساژ میدادند تا جوان و نیرومند جلوه کنند. گاهی اوقات بهای بردگان با دوران بازرگانی و استقرار بردگان در پست‌ها و سلامت و جوان بودن آنان تغییر می‌کرد. در اواسط قرن ۱۷ بهای معمولی یک جوان سیاه پوست سالم در کیپ کاستل Kape castel « و سواحل گینه و بعضی از پست‌ها ۲۰ لیره استرلینگ بود.

۸- تحولات سیاستهای استعماری، دکتر ابوالحمد، جزوه پللی‌کیپی، دانشکده حقوق و

برده و تجارت مثلث :

در قرن ۱۸ تجارتي که بنام تجارت مثلث معروف است پردرآمدترین تجارت برای دولت انگلیس بود. کشتی‌های انگلیسی پر از کالاهائی نظیر شیشه شکسته، آهن پاره، پارچه‌های رنگارنگ ولی کم‌قیمت... از بنادر انگلیس بسوی سواحل افریقائی رفته و از آنجا این کالاهارا با برده مبادله می‌کردند و از آنجا به جامائیکا رفته و برده‌ها را به قیمت‌های گزاف فروخته و مجدداً با کالای جدیدی از قبیل نیشکر، شکر، توتون و تنباکو، پنبه و آهن و سایر مواد اولیه که فوق‌العاده برای صنعت انگلیس لازم بودند مراجعت می‌کردند. بسیاری از اوقات کشتی‌ها راهشان را طولانی‌تر کرده و از افریقا به‌هند رفته و از هند به جامائیکا می‌رفتند که این راه تجارتي معروف به تجارت مثلث کوچک خیلی پردرآمدتر بود. سالیانه ۱۰۰ هزار برده افریقائی به آمریکا حمل می‌شد. بازارهای عمده برده، خلیج گینه و افریقای غربی، شرقی و گرمسیری بودند. در حالیکه خلیج کوچک بنین و بخش‌های خط ساحلی، ساحل طلا، کنگو، آنگولا و برخی نواحی دیگر مناطق صدور برده بشمار می‌آمدند.

در اواخر قرن هفدهم جمعیت سیاه‌پوستان در باربادوس به ۸۰ هزار نفر میرسید. سیل خروشان واردات برده به جزایر مذکور بقدری سریع بود که پس از یک‌صد سال که تقاضای برده کاهش یافته بود بازهم ادامه داشت، تا سال ۱۷۶۳ شصت هزار (۶۰/۰۰۰) برده سیاه پوست به کوبا وارد کرده بودند و در یکی از سالهای قرن مزبور، دولت اسپانیا بموجب قرارداد اسپینتو اجازه حمل ۱۷ هزار سیاه‌پوست را به کوبا صادر کرده بود. در بین سالهای ۱۷۶۳ تا ۱۷۹۰ تعداد ۴۱/۰۰۰ برده و در فاصله سالهای ۱۷۹۱ تا ۱۸۲۵ بیش از ۲۳۰ هزار برده سیاه به‌هاوانا اعزام شده بود. در جامائیکا ونویس Nevic و منت‌سرات Montserat « و سنت کریستوفر St. Christopher و سنت ونیست St. Vincent « و «سنت لوجیا St. Lucia « بهمین نسبت

واردات برده سیاه افزایش داشت. بیشتر بردگانی که به این جزایر اعزام می شدند مجدداً صادر می گردیدند و ... گاه میزان مرگ و میر بقدری بالا می رفت که درمان بردگان مریض، خود مسئله روز می شد، مثلاً دریکی از سالهای قرن هفده، ۲۶۵۶ سیاه پوست در سنت وینسنت متولد شده بود و در همانسال ۴۲۰۵ نفر مرده بودند» (۹).

برای به ذهن سپردن چگونگی رفتار موهن و ضد انسانی که نسبت به بردگان روا می داشتند به ترتیب سیر زمانی از اسارتشان در افریقا تا به فروش رفتن شان در آمریکا را از نظر می گذرانیم تا به سرگذشت غم انگیز این بی پناهان وقوف یابیم.

داغ کردن برده :

«برده ها را داغ می کردند. برای این منظور از يك آهن سرخ شده با آتش که مهر شرکت بر آن حك شده بود، جهت سوزاندن پوست بردگان استفاده می شد. قبل از خرید برده، آزمایش هائی از او بعمل می آمد تا مطمئن شوند که او زیر ۳۵ سال و سالم می باشد چشمها و دندانهای سالمی دارد و بر روی سرش از تارهای سفید مو خبری نیست ولی اگر تارهای سفید مشاهده می شد، تاجرهای افریقائی قبل از فروش موهایش را از ته می تراشیدند. او دوباره در آمریکا وسیله مالک جدیدش داغ می شد» (۱۰).

کارگاههای برده :

محموله با ارزش انسانی، قبل از آنکه از افریقا با کشتی به سوی آمریکا حمل شود، در مکانی به نام کارگاه انبار می شد. این مکان که Barrcoon نامیده می شد مکانی محصور بود که به طور موقت برای نگاهداری بردگان ساخته شده بود. در بارکن که يك حصار چوبی بود

۹- از بردگی تا آزادی - دکتر منصور راستین. ص ۹۵ و ۹۶، تجارت برده ص ۳۱.

۱۰- تجارت برده. سیهونز. اریک. ن: ترجمه ابوالقاسم حالت. ص ۳۱.

بردگان مرد را با زنجیر محبوس می‌ساختند. بردگان زن را آزاد می‌گذاشتند تا برایشان آشپزی کنند. بسیاری از بردگان هرگز به آمریکا نمی‌رسیدند زیرا پیش از آنکه کشتی‌های مخصوص حمل این سرمایه (عاج سیاه) به ساحل برسند، بیشتر برده‌ها از تب یا اعمال وحشیانه جان می‌سپردند» (۱۱).

بارگیری :

افریقائی‌های نگونبخت در یک کرجی پاروئی با فشار بسیار و تنگ‌هم قرار داده می‌شدند. با کشتی مخصوص حمل بردگان حمل می‌گردیدند. خیلی از بردگان هرگز دریا یا مردان سفیدپوست را ندیده بودند. بعضی از بردگان، مردان سفید را شیطان‌هایی می‌دانستند که قصد خوردن آنها را دارند. ملوانان این موضوع را تفریح‌آمیز می‌یافتند و سعی می‌کردند این پندار آنان را تقویت کنند به نحویکه بعضی از بردگان از تظاهر ملوانان به کشتن آنها وحشت زده می‌شدند و مشت مشت خاک دیوار ساحلی را می‌بلعیدند یا خود را از عرشه کشتی پرت و غرق می‌کردند (۱۲).

«... گاهی اوقات، در حالیکه کشتی از یک سوی ساحل به سوی دیگر برای تحویل کالای انسانی بیشتری در حرکت بود، برده‌ها در غل و زنجیر به مدت ۷ یا ۸ ماه در انبار نگهداری می‌شدند. هنگامی که هوا طوفانی می‌گشت، دریچه‌هایی را که به عرشه باز می‌شدند، می‌بستند و در نتیجه بردگان اغلب خفه می‌شدند. پزشک کشتی قادر نبود جلوی مرگ و میر را بگیرد زیرا نمی‌توانست در انباری که فاقد هوا بود، برای معاینه بردگان شمع روشن کند» (۱۲).

بسته‌بندی محموله :

«کشتی‌ها بردگان را در اقیانوس اطلس واز گذرگاهی موسوم به گذرگاه «ترسناک» عبور می‌دادند و به همین جهت کشتی‌ها را بسیار

۱۱- از بردگی تا آزادی. دکتر منصور راستین. ص ۹۵ و ۹۶.

۱۲ و ۱۳- تجارت برده ص ۱۰۲

فشرده باربندی می کردند. بعضی از برده‌ها را در يك راستا قرار می دادند و سرهایشان را به پاهایشان زنجیر می کردند. بقیه مجبور بودند در تاقچه‌هایی که دور تا دور بدنه کشتی جاسازی شده بود، قوز کنند. هر تاقچه تنها ۲/۵ پا با تاقچه بالاتر از خود فاصله داشت و برده‌ها مانند کتابهایی در قفسه‌ها چیده شده بودند، ولی جایشان بیشتر به تابوت شبیه بود و برآستی خیلی از بردگان در همان وضعیت در سر جایشان می مردند. گاهی اوقات نوزادان ناخوانده از کشتی بدریا می غلتیدند و مادران غمزده می کوشیدند در پی آنها خود را به آب پرت کنند» (۱۳).

يك برده فروش اظهار کرده بود که: «...سیاهان اغلب از کشتی‌ها خود را به دریا می انداختند و آنقدر خود را زیر آب نگاه می داشتند تا غرق شوند و وسیله برده‌فروشان نجات نیابند و حاضر بودند در دهان کوسه‌های خطرناک قطعه قطعه شوند ولی به صورت برده‌های جدید برای فروش عرضه نشوند:

بر فراز يك کشتی، در بسیط يك دریا
 صف بصف بقلاده، از جریده انسانها
 موجهای توفنده، مشتهای کوبنده
 دل زخشم آکنده چون لهیب نیرانها
 در طنین این توفان غرقه گشته يك انسان
 بسته با خدا پیمان، وه چه پاك پیمانها
 یا زند زدل قید این حیات ننگین را
 یا که بگسلاند بند از جدار استخوانها
 برجدار آن کشتی، روی سینه دریا
 نقش بسته يك آهنگ از برای دورانها
 نقش یادگار او، جاودان شعار او
 سرفدای آزادی، جان نثارانسانها (۱۴)

۱۳- سیمونز، اریک. ن: تجارت برده. ترجمه ابوالقاسم حالت، ص ۱۰۲.

۱۴- از بردگی تا آزادی. ص ۱۰۳، سروده بسیج خلخالی - در حماسه هیزم‌شکن

اروپائیان در مجموع ۵۰ میلیون انسان را از ماوراء بحار به آمریکا انتقال دادند که هنگام عبور از اقیانوس ۲۵ میلیون تن از آنان به هلاکت رسیدند (۱۵).

پایان سفر دریائی و ورود بردگان به آمریکا و چگونگی رفتار با آنان :

«بردگان وقتی به آمریکا می‌رسیدند، قریب ۳ روز در لنگرگاه در انبار کشتی می‌ماندند تا تمام کسانی که باید با آنان معامله کنند حاضر شوند. آنگاه از روی تخته‌ای که یک سرش در کشتی و سر دیگرش در ساحل قرار داشت، بردگان به صورت ردیفی از بدنهای سیاه و بدبو، لنگ‌لنگان، تلوتلوخوران به راه می‌افتادند، درحالیکه بسیاری از آنان در اثر ضربات شلاق، تتی خونین داشتند و از حال رفته بودند. این بیچارگان را در کشتی، به وضعی ناگفتنی با زنجیر به یکدیگر بسته و در انبارهای تنگ هم جا داده بودند که منفذ نداشت و هوایش به قدری سنگین و کثیف بود که حتی اسیر کنندگان آنان نمی‌توانستند داخل انبار شوند و حتی شمع در آن روشن نمی‌شد [چون در هوا اکسیژن نبود]. این بردگان تازیانه‌ها خورده، نیمه جان شده و ناسزا شنیده بودند. عذابی که زنان می‌کشیدند غیر قابل‌وصف بود. این کنیزان را مجبور کرده بودند که روی کثافت خودشان بخوابند، از آنان با بیرحمی استفاده برده بودند، این بیچاره‌ها از بیماری عذاب می‌کشیدند و از تشنگی می‌سوختند و بسیاری از ایشان در راه می‌مردند، آنها هم که زنده مانده بودند، مشتی پوست و استخوان به نظر می‌آمدند. اینک آواره و بی‌خانمان و بی‌فریادرس در یک دنیای بیگانه ایستاده بودند و نمی‌دانستند چه بر سرشان خواهد آمد. از بلاهای بدتری که در پیش داشتند می‌ترسیدند و ترسشان هم بی‌علت نبود» (۱۶).

«سالانه ۱۰ هزار برده را در بندر قرطاجنه (اسپانیا)، ویرجینیا،

۱۵- جامعه‌شناسی سیاسی، دو ورژن، ترجمه دکتر قاضی ص ۱۷۶.

۱۶- سیمونز، اریک. ن: تجارت برده، ترجمه ابوالقاسم حالت. ص ۱۰۷.

برزیل، جزایر هند شرقی و آنتیل پیاده می‌کردند. این بردگان از نژادها و آب و هواهای مختلف بودند. اما تا وقتی روی اسکله زیر آفتاب سوزان عذاب می‌کشیدند، همه به یک چیز عقیده داشتند و آن این بود که مردان سفید پوست آنها را خریده‌اند تا کبابشان کنند و چربی آنها را به بدنه کشتیها بمالند و با خون آنها هم بادبانهای کشتی را رنگ کنند. بدین جهت نخستین بازرگانی که به طرف آنها می‌آمد با فریادهای وحشت آنان روبرو می‌شد، این بردگان بعداً به محوطه‌هایی منتقل می‌گردیدند که فاقد هر گونه وسایل آسایش بود، آنان را چنان تنگ‌هم بسته بودند که بیماری به سرعت میانشان شیوع می‌یافت و چون نمی‌توانستند خود را پاکیزه نگاه دارند تقریباً مثل زنانی که در دریا سفر می‌کردند کثیف و آلوده بودند. برخی از آنان زخم‌های سخت داشتند و گوشتشان چنان فاسد شده بود که آدم را منقلب می‌کرد. بسیاری از آنان مبتلا به اسهال خونی بودند و انگل‌هایی داشتند. میانشان بیماران جذامی دیده می‌شد، افرادی که صورتشان بطور وحشتناکی از شکل افتاده بود، ناله‌ها و آه‌ها و گریه‌ها و صدای تهوع آنان که بگوش می‌رسید همراه با بوی گندی بود که حال اهل محل را بهم می‌زد» (۱۷).

فروش در آمریکا :

«زمینداران به محض اینکه از ورود کشتی بردگان به بازار آگاه میشدند در اسکله اجتماع می‌کردند. آنها توسط پوسترهایی که سیاهان سالم و زیبا را تبلیغ می‌کرد جذب می‌شدند. تلاش و تقلا آغاز می‌شد. جاشویان، کشتی را با آویختن بادبانهای در اطراف عرشه مانند چادری می‌پوشاندند. خریداران قیمت‌های ثابتی را می‌پرداختند و سپس برای بچنگ آوردن برده‌ای به عرشه کشتی هجوم می‌بردند. برای اینکه خریداران دیگری برده‌های منتخبشان را نربایند، حتی آنها را با دستمال به یکدیگر

گره می‌زدند» (۱۸).

حراج :

«برده‌ها به کسی که بیشترین قیمت را در حراج پیشنهاد می‌کرد فروخته می‌شدند. خریداران برای اینکه از جوان بودن برده‌ها اطمینان حاصل کنند، دندانهایشان را به‌دقت واریسی می‌کردند زیرا امکان داشت آن برده پیرمردی باشد که موهایش را سیاه‌رنگ کرده باشند. برده‌های مطرود و مریض در ابتدا فروخته می‌شدند، گاهی اوقات پزشکان، برده‌های ضعیف را می‌خریدند به امید آنکه آنها را تقویت کنند تا به قیمت بیشتری بفروشند. برده‌هایی را که امیدی به بهبودشان نبود در ساحل رها می‌کردند تا جان بسپارند ولی بهترین آنها قیمتی گزاف داشتند و به هزاران پوند [پول امروز] فروخته می‌شدند» (۱۹). از آن پس انواع شکنجه‌های دیگر در انتظار بردگان بود و تا آخر عمر گرفتار این مرگ دم‌بدم خود بودند. فی‌المثل همینکه به مقصدهای اصلی خود می‌رسیدند در آنجا همه را به گروه‌های کارگری ملحق می‌ساختند و کار یادشان میدادند. صاحبان و تعلیم‌دهندگان‌شان روحیه آنان را درهم می‌شکستند و اگر چه خود رسماً مسیحی بودند، با این بدبخت‌ها به نحوی ننگین بد رفتاری می‌کردند. خانمی چون دید آشپزی که برده اوست غذا را دلپسند از آب درنیاورده، دستور داد که خودش را در یک تنور کباب‌کنند. آقائی قندآب جوشان را به حلق آشپز خود ریخت. هر برده‌ای که می‌گریخت بوسیله سگان شکاری او را پیدا می‌کردند و آنقدر شلاقش می‌زدند که گوشت‌های بدنش تکه تکه می‌شد، آنگاه او را زنده به دار می‌آویختند. کسانی را که از شدت ضعف قادر بکار نبودند به کناری می‌انداختند تا بمیرند. تنها جنایتی که خطا شمرده می‌شد کشتن برده‌ای بود که تعلق به دیگری داشت،

۱۸- همان منبع. ص ۴۴.

۱۹- همان منبع. ص ۴۴.

در اینچنین جنایتی هم، پرداخت غرامت کافی بود.
 «در سال ۱۸۵۰ از ۲۳ میلیون جمعیت ممالک متحده آمریکای شمالی ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار سیاه‌پوست برده بودند. به‌عنوان مثال درباره یکی از مزارع جلگه می‌سی‌سی‌پی می‌نویسند، جمیع بردگان این مزرعه ۱۳۵ نفر بودند که از طلوع آفتاب تا غروب کار می‌کردند. غذا به آنها به‌صورت چیره داده می‌شد و در موقع کار ناظری از خود آنها بالای سرشان قرار داشت که پیوسته شلاقش را در هوا تکان می‌داد و گاهی هم سرشلاق را به‌پشت و گردن آنها فرود می‌آورد» (۲۰).

بردگی پلانتاسی (کشتزارهای روستائی) :

برده‌ها بخصوص در مستعمره‌های جنوبی بیشتر بودند که در پلانتاسی‌ها برنج و توتون می‌کاشتند. برده‌ها زیر نظر نگهبانی که در دست تازیانه داشت کار می‌کردند. نگهبانان با برده‌ها رفتاری خفت‌بار داشتند. اگر برده از پلانتاسی فرار می‌کرد، با سگ‌ها به‌دنبالش می‌افتادند و او را می‌گرفتند. سپس دست‌هایش را قطع کرده و قیر داغ بر آن می‌ریختند و سپس بردارش می‌زدند... گوئی شعر زیرین ترجمان احساسات و حال سیاهان برده است :

زندگی کردن من مردن تدریجی بود هر چه جان کندتم عمر حسابش کردم

گفتنی است که بردگان هیچگاه برای رهائی خویش از ستم استعمار-گران و رفتار موهن آنان از مبارزه باز نایستادند، بلکه مکرر در مکرر قصد خود را دائر به‌آزادی با قیام و اقدام به‌درهم شکستن سلطه ظالمانه اروپائیان برده‌دار تاجر ابراز می‌داشتند به‌گونه‌ای که متجاوز از صد مورد قیام و شورش بر علیه استعمارگران برده‌دار در قاره آمریکا، به‌راه انداخته بودند که در جدول ضمیمه آورده شده است.

۲۰- آمریکا چگونه آمریکا شد. آلان نونیز و هنری استیل کامیجر، ترجمه دکتر محسن

مبحث سوم - پاره‌ای نظرات حقوق‌دانان غربی راجع به بردگی :

بوسوئه کشیش و خطیب کاتولیک معروف فرانسه (۱۶۲۷-۱۷۰۴) درباره دفاع از بردگی می‌نویسد: «بطور کلی و با در نظر گرفتن منشاء بردگی برده اراده و اختیاری غیر از اراده صاحبش ندارد. قانون می‌گوید که او دارای اهلیت نیست و در شمار اشخاص محسوب نمی‌شود... مخالفت با اساس بندگی نه تنها مخالفت با حقوق بین‌الملل است که اسیر گرفتن و غنیمت را مشروع می‌داند بلکه مخالفت با روح‌القدس است که به زبان پل قدیس فرمود غلامان در بندگی باقی بمانند و اربابان مجبور به آزاد کردن آنها نباشند.

«منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵) در کتاب روح‌القوانین با لحن طنز و استهزاء وضع برده‌داری زمان خود را با این بیان محکوم می‌کند: «اگر از من بپرسند به چه جهت سیاهان افریقا را بگلامی خویش در آورده‌ایم خواهیم گفت ما ملت‌های اروپا که بومیان آمریکا را به کلی نابود کردیم و ناچار بودیم که مردم افریقا را به گلامی در آوریم تا به وسیله آنان اراضی آمریکا را آباد کنیم. قند برای ما بسیار گران تمام می‌شد اگر گیاه آنرا به وسیله غلامان نمی‌کاشتیم. بعلاوه این غلامان از سر تا پنجه پا سیاه هستند بینی آنها چنان له شده و پهن است که شایسته ترحم نیستند. مشکل است باور کرد که خداوند علیم و حکیم روحی بخصوص روح پاکی در جسد تمام سیاهان قرار داده باشد... و نیز مشکل است قبول کرد که این موجودات بشر هستند. اگر آنان را انسان فرض کنیم باید قبول کنیم که ما هم مسیحی نیستیم» (۲۱).

روحانی انگلیسی، کشیش تامسون از بردگی دفاع نموده و گفته است: «بازرگانی برده‌های سیاه در سواحل افریقا، اصول انسانیت و قوانین دین مبین را محترم می‌شمارد». روحانی. جی. بریت انگلیسی در سال ۱۸۵۲

کتابی تحت عنوان «انجیل برای دفاع از بردگی» انتشار داد. گفته‌های دانشمندان غربی در تأیید بردگی بسیار است که محض پرهیز از تطویل کلام از ذکر بقیه آنها خودداری می‌شود.

دوم

علل و موجبات الغاء وامحاء بردگی

مبحث اول : درآستانه فروپاشی بردگی - سلسله انقلابات بورژوازی که در طی دو سه سده از عمر استعمار تا اواخر قرن هیجدهم میلادی در کشورهای استعمارگر هلند، انگلیس، آمریکا و فرانسه درگرفت و حقوق و امتیازات فراوانی به نفع اتباع کشورهای مزبور به ارمغان آورد، هرچند موجب آزادی بردگان مقیم در متصرفات امپراتوریهای استعماری نگردید، یعنی آزادی‌های فردی که در قوانین کشورهای انقلاب درگرفته، درج گردید، شامل حال، بردگان نشد لکن زمینه فکری و حقوقی مناسبی برای رهائی بردگان فراهم آورد و دیری نگذشت که تحت تأثیر اندیشه‌ها و موازین «حقوق بشر» و به استناد مقررات مندرج در قوانین اساسی کشورهای مزبور و دیگر عوامل اجتماعی، اندک اندک فضای مساعدی را جهت الغاء وامحاء بردگی بوجود آورد. در ذیل اجمالاً انقلابات چهارگانه مذاکور در فوق را به بررسی می‌گذاریم:

۱- انقلاب انگلستان - پارلمان که مصوباتش همچون محصول انقلاب ۴۲-۱۶۴۰ انگلیس بشمار می‌آید، حقوق انگلیسیها را به رسمیت می‌شناخت نه حقوق بشر را (که می‌توانست شامل حال بردگان نیز بشود) به سخن دیگر آزادی‌های انگلیسی فاقد خصلت جهانی بودند و به عموم ابناء بشر تعلق نمی‌گرفت با اینهمه به افراد یا اشخاص و بصرف شهروندی پاره‌ای حقوق و امتیازات تعلق گرفته بود و رگه‌هایی از اندیشه حقوق بشر را در خود نهفته داشت.

۲- آمریکا - بیان نامه استقلال و انقلاب که حاصل شورش و قیام آمریکائیان بر ضد انگلستان بود. اعلام میداشت: «همه آمریکائیا حق زیستن، آزادی و کسب خوشبختی» را دارا هستند ولی از بیان نامه مزبور تنها به سود داراها و سروران استفاده کردند. بردگی الغاء نشد و سیاهان همچنان برده باقی ماندند و نیز جلوی راندن سرخپوستان از زمین‌های متعلق به خودشان توسط آمریکائیا را نگرفت، باینهمه اذهان را به حقوق بشر معطوف داشت.

۳- انقلاب فرانسه - انقلابیون اینکشور براساس معتقدات خود عقیده داشتند که باید مستعمرات فرانسه باین کشور سرنوشت و شرایط حقوقی، سیاسی و اقتصادی واحدی داشته باشند و برای اثبات نظریات خود، موضوع یکی بودن طبیعت بشری را پیش کشیدند و به این ترتیب نتیجه می‌گرفتند آنچه را که در اروپا عملی است می‌توان در همه جای دنیا عملی کرد. ولی نمایندگان مالکین بزرگ که نفعشان در حفظ و ادامه برده‌داری و استعمار بود، نخست باین نظر مخالفت کرده و پیشنهاد می‌کنند که به مستعمرات خودمختاری داده شود، اما اضافه می‌کنند که فقط سفیدپوستان باید از این خودمختاری استفاده کنند و سرانجام نظر اخیر در مجلس پیروز می‌شود و قانونی در ۸ مارس ۱۷۹۰ به تصویب می‌رسد که فقط برای غیر برده‌ها (آزادها) و آنان که از پدر و مادر آزاد بدنیا آمده‌اند قایل به حقوق است و مجالس مقننه محلی حتی به این حد هم راضی نشده و وضع سیاه‌ها را بدتر می‌کنند. اما کنوانسیون در سال ۱۷۹۱ «بردگی» را لغو و اعلام می‌دارد که همه اشخاص اعم از فرانسوی و غیر فرانسوی دارای حقوق مساوی هستند. قانون اساسی مصوب ۱۷۹۲ اشعار میدارد: «قوانین مصوب در فرانسه شامل تمامی اهالی فرانسه و مستعمرات بوده»، بعلاوه تمام شرکت‌های نیمه رسمی منجمله (شرکت هند شرقی فرانسه) را منحل کرده و حقوق گمرکی بین فرانسه و مستعمراتش را از میان برمی‌دارد. در سال ۱۷۹۳ دیراکتور آزادی مطلق تجارت را برای فرانسه و مستعمراتش برقرار می‌سازد. لکن وقتی ناپلئون بناپارت زمام

امور فرانسه را بدست می‌گیرد برده‌داری و تجارت آنرا مجدداً برقرار و شرکت نمایندگان مستعمرات را در مجالس فرانسه قدغن می‌کند و قانون آزادی تجارت راهم لغو می‌نماید.

پس می‌توان گفت که انقلاب کبیر فرانسه به خلق‌های مستعمره و نیمه مستعمره (بردگان) آزادی نبخشید، حتی آزادی محدودی که نصیب زحمتکشان خود فرانسه شد به مستعمرات و ممالک وابسته گسترش و تعمیم نیافت. شعار آزادی، برابری و برادری و «حقوق بشر» که زائیده انقلاب کبیر فرانسه بود نه در مورد سیاهان سنگال و نه دورگه‌های هند غربی و نه هندیان تعمیم نیافت. افزون برین با سرنگون شدن طبقه فئودال، بورژوازی تازه بدوران رسیده، قدرت سیاسی خود را برای تصرف مستعمرات تازه و برده‌ساختن مردم دیگر به کار گرفت. بدین ترتیب انقلاب بورژوازی فرانسه نیز باینکه شعار سه‌گانه «آزادی، برادری و برابری» را سرداد و باینکه اعلامیه حقوق بشر فرانسه با شور و هیجان از جانب همه محرومان و فرمانبرداران گیتی و همه مردم مترقی که نگران بهبود آینده آدمی بودند، پذیرفته شد باین همه سیاهان (بردگان) را همچنان دربند باقی نگاه داشت، ولی بیش از انقلابات سلف خود، اندیشه حقوق بشر را نشر داد و اذهان و اشخاص را به اخذ حقوق انسانی بیاداشت و راسخ ساخت.

ع- انقلاب هلند - پس از آن که آخرین انقلاب بورژوازی یعنی انقلاب کبیر فرانسه نظام فئودالیت را برانداخت و صلای «آزادی، برابری و برادری» را برای عموم ابناء بشر سرداد و اخبار مربوط به انقلاب در اقصا نقاط عالم نشر یافت، استعمارگران برده‌دار به تکاپو افتادند تا از کاربرد حقوق و آزادی فردی در مستعمرات ممانعت نمایند، فی‌المثل در سال ۱۷۹۵ که هلند به تاسی از فرانسه انقلابی برخاسته بود «باتاویا» تمام مساعی خود را به کار برد تا از اصول جدید در مستعمرات خود استفاده نکند، حکمرانان (هند هلند) سعی داشتند حکومت مرکزی را از اجرای مقررات حقوق بشر بازدارند:

« می‌خواهیم معتقد باشیم که قصد شما این است که نظام نو را شامل حال حکومت کمپانی و ماموران آن و سکنه هلند خواهید کرد. عده این سکنه از طرفی محدود است و عده‌ای هم فقط این شایستگی را دارند که در کارهای مهم به‌درستی داورى کنند. منافع این دسته از مردم نمیتواند بر منافع کمپانی مرجح باشد و از همه مهمتر اینکه منافع اخیر نباید به‌خطر افتد.»

آزادی، برادری و برابری برای خودی و استثمار برای مستعمرات، این شعار انقلاب هلند بود. در سال ۱۷۹۸ که اساسنامه کمپانی هند شرقی هلند (اندونزی) ملغی شد و اندونزی به‌مستعمره هلند مبدل گردید، هلندیان در آئین انقلاب دستکاری زیرکانه‌ای کردند و اعلام داشتند: «مادام که امنیت مستملکات هلند ایجاب می‌کند که (سکنه‌اندونزی) به‌صورت موجود مطیع و منقاد باشد ممکن نخواهد بود که اصول آزادی و برابری در متصرفات جمهوری در سرزمین‌های هند شرقی هلند (اندونزی) معمول شود» ★.

دولت هلند حتی لغو بردگی را بررسی نکرد و پس از آن که چهره با نقاب تقدس پوشاند و اعلام کرد که بهتر است: «برای اصلاح سرنوشت اندونزیان صبر پیش‌گرفت تا تمدن عمومی او به‌سطح عالیت‌تری ارتقاء یابد» قیافه حق‌به‌جانب بخود گرفت. هلندیان در جزایر باندا غلامان را جانشین دهقانان کردند...» ★

کوئن - بانی «باتاویا» که بگفته مؤلفان هلندی معاصر وی، با «زشتکاریها و جنایات خود بغض و تنفر ملتی را برانگیخت» مطالبی را که به‌عنوان راهنمای سیاست استعماری هلند به‌یادگار مانده است بدین سان عنوان می‌کند:

«مگر ما در اروپا حق نداریم که با چهارپای خود بدانگونه که میل داریم رفتار کنیم؟ در اینجا هم ارباب با آدم‌هایش همین رفتار را می‌کند،

۲۲ و ۲۳ - آسیا و استیلای باختر. پانیکار، ترجمه محمدعلی مهمید، ص ۱۰۹ تا ۱۱۱.

★ پانیکار: آسیا و استیلای باختر. ترجمه محمدعلی مهمید، ص ۱۱۰.

چون که اینان در همه جا، با همه مایملک خویش، تحت تملک ارباب خود هستند، چنانکه حیوانات در هلند از آن صاحب خود می‌باشند». باوجود آنچه مذکور افتاد، فضای حقوقی بشر موجود در مناسبات بین‌المللی وقت و بویژه تعالیم عالیه اسلام که فرمانروائی غیر مسلم را بر مسلمانان جایز نمی‌داند «لن يجعل الله للكافرين على المسلمين» زمینه دگرگون ساختن وضع مردم اندونزی و لغو بردگی را آماده می‌ساختند.

مبحث دوم - اقدامات و استناد به حقوق طبیعی توسط انسان دوستان اروپائی در جهت لغو بردگی.

بنابر آنچه در صفحات پیش از نظر گذشت هیچیک از انقلابات چهارگانه بورژوازی نتایج عملی فوری به سود بردگان بیار نیاموردند، اما بسی برنیامد که تحول اندیشه‌ها و شرایط بین‌المللی توأم با قیام‌ها و شورش‌های روزافزون بردگان، موجب شد که مقررات اساسی طرفداری از اصول بردگی کهنه تلقی گردید و آهنگ لغو آن شتاب گرفت. مردم به ناعادلانه بودن برده‌داری آگاه می‌شدند و اندک اندک حلقه‌های زنجیر بردگی در کشورهای برده‌دار گسسته می‌گردید.

در انگلستان گروه‌های مذهبی علیه برده‌داری اعتراض کردند. انجمن دوستان «کواکر Quaker» برده‌داری را محکوم کردند. انجیلی‌ها فرقه مذهبی دیگری بودند که عقیده داشتند باید همه مسیحیان برضد شیاطین تجارت برده بجنگند. اصلاح‌طلبان ناشکیبانه درباره اعمال وحشیانه و بیرحمانه تجارت برده، متینگ به‌متینگ سخنرانی می‌کردند و عرضحال جهت اعتراض به برده‌داری به پارلمان ارائه می‌دادند. براساس قانون انگلستان همه انسانها آزاد بودند. کسانی به‌دادگاه مراجعه می‌کردند و عرضحال می‌دادند که آیا مثلاً «جیمز سامرست» (که برده‌ای یاغی بود) یک انسان آزاد نیست؟ آیا یک سیاه یک انسان نیست؟ دادگاه اعلام داشت: «هر برده‌ای که پا در خاک انگلستان بگذارد آزاد خواهد بود». این رأی دادگاه آزادی ۱۴/۰۰۰ برده سیاه را که در انگلستان می‌زیستند

بدنبال داشت. اشخاصی نظیر «جان نیوتن» کشیش «سنت مری St. Mary Woolonoth» و «توماس کلارکس» علیه تجارت برده بپاخواستند. در ۱۷۸۷ انجمن الغای بردگی تشکیل شد و کسانی چون «شارپ» و گروهی از «کواکر»ها و اصلاح طلبان دیگر دست به اقدامات جدی و اساسی زدند. «ویلیام ویلبرفورس» که به فرقه انجیلی‌ها پیوسته بود، رئیس انجمن الغاء بردگی شد. «آدام اسمیت» بجهات دیگر (اقتصادی) آوای مخالفت با بردگی سرداد. خلاصه مبارزه بر ضد بردگی قریب ۲۰ (بیست) سال با شدت و وحدت تمام ادامه یافت. در ۱۸۰۷ پارلمان لایحه‌ای گذراند که مفاد آن لغو هر گونه معامله و تجارت برده - در امپراتوری بریتانیا بود. در سال ۱۸۳۲ پارلمان لایحه دیگری را تصویب کرد که همه بردگان را در امپراتوری بریتانیا آزاد اعلام می‌کرد. در نتیجه این قانون قریب ۱/۰۰۰/۰۰۰ برده آزاد شدند.

در آمریکا، عمده‌ترین ضربه‌ای که بر پیکر اصول طرفداری از بردگی وارد شد، ناشی از جنبش سیاسی قابل ملاحظه‌ای بود که پایه آن بر ادبیات و آثار فلسفی مبتنی بود. سال ۱۸۵۲ اوج ادبیات در موضوع الغاء بردگی را نشان می‌دهد. در این سال کتاب کلبه «عموتم» در بوستون منتشر شد که ابراهام لینکلن به تحسین مؤلف آن پرداخت و گفت: «خانم کوچکی (مؤلف) که جنگ بزرگی را شروع کرده است». معروفترین جنبش ضد بردگی در آمریکا، به اولین جنگ داخلی آمریکا منجر گردید که نزدیک بود وحدت سیاسی این کشور را متلاشی سازد ولی سرانجام اتحاد سیاسی اتازونی را به وجود آورد. این درگیری به «جنگهای انشعاب (۱۶۸۱ - ۱۸۶۵) بین ایالات شمالی و جنوبی آمریکا بر سر حفظ و الغاء بردگی منجر گردید. آمریکائیان ایالات جنوبی، بردگی را از «لوازم جمهوریت و مصالح اقتصادی سیاسی آمریکا و وسیله نیل به تمدن و فضیلت، می‌دانستند. هیچ‌ده ایالت شمالی در انتخابات ریاست جمهوری به نفع لینکلن رأی دادند و برپانزده ایالت طرفدار بردگی در جنوب پیروز شدند. در خلال جنگ احساسات ضد بردگی به شدت تقویت گردید و حتی ایالات مرکزی

با اکثریت آراء خواستار الغای بردگی شدند. هنگامی که در ژانویه ۱۸۶۵ سیزدهمین اصلاحیه قانون اساسی برای دومین بار (الغای بردگی) در برابر مجلس نمایندگان قرار گرفت، یک نماینده از «دلاور»، چهار نماینده از «مریلند»، سه نماینده از «ویرجینیای غربی»، چهار نماینده از «کنتاکی» و هفت نماینده از «میسوری» از تصویب آن حمایت کردند. تصویب این اصلاحیه که به آرای ۲۷ ایالت نیازمند بود، هشت ماه بعد از کشته شدن لینکلن در ۱۸ سپتامبر ۱۸۶۵ صورت پذیرفت (۲۴). اصلاحیه مقرر می‌داشت: «... در تمام قلمرو اتازونی یا هر محلی که تابع محاکم قضائی اتازونی است، بردگی و کار اجباری وجود نخواهد داشت مگر در مورد مجازاتهای جنائی که مقصر به اجرای چنان مجازاتی محکوم خواهد شد».

در فرانسه به سال ۱۸۳۰ بعد از اغتشاشات مارتینگ یک جنبش فکری بوجود آمده بود و فرامین امپراتوری شرایط زندگی اسیران و بردگان را ملایم ساخته بود. آن فرامین قطع عضو و رنگ‌گذاری را ملغی کردند و تعلیمات سیاهان را سازمان دادند و مواظبت‌ها و استراحت هفتگی را در آنتیل، اجباری ساختند. باینهمه انقلاب ۱۸۴۸ بود که مقررات را بوجود آورد و بخصوص به موجب قانون ۴ مارس ۱۸۴۸ الغای بردگی رسماً تصویب شد و در ماده ۶ قانون اساسی درج گردید.

پرتغالیها و اسپانیاییها آخرین مللی بودند که تن به آزادی بردگان دادند. پرتغال اولین بار آزادی بردگان را در سال ۱۸۵۶ در برزیل مقرر داشت.

مبحث سوم - جنبش ضد بردگی در صحنه بین‌المللی :

صرفنظر از مبارزات ضد بردگی که در داخل جوامع کشورهای استعمارگر مذکور در صفحات پیش، رخ داده بود، در صحنه بین‌المللی نیز جنبش ضد بردگی جریان یافت که انگلستان پرچمدار آن بود. این کشور پس از آنکه در سال ۱۸۰۷ تجارت برده را لغو کرد، ناوگان سلطنتی خود را به صورت پلیس بین‌المللی درآورد و با عقد معاهداتی حق بازرسی و توقف کشتی‌ها را پیدا کرد. به این ترتیب انگلستان در رأس جنبش بین‌المللی ضد بردگی قرار گرفت و در طی مدت ۳ سال بیش از ۲۸ قرارداد درباره صرفنظر کردن از معامله و جلوگیری از قاچاق سیاهان را امضاء کرد. بریتانیا به تدریج بازرسی دریائی خود را تحمیل کرد و متدرجاً کلیه ملل موافقت خود را با این بازرسی اعلام داشتند. جریان جنبش ضد بردگی در صحنه بین‌المللی قریب یک قرن و نیم ادامه یافت و تصمیمات مربوط به این امر در چند کنگره با اهمیت بین‌الملل و هم سازمانهای بزرگ بین‌المللی تجلی یافت.

کنگره وین - در این کنگره به تحریک انگلستان اولین تقبیح جهانی از بردگی را کشورها امضاء کردند و با هم به ابتکار انگلستان بود که کنگره اکسلاشاپل بردگی را ملغی کرد و پس از این کنگره بود که ملت‌ها به تدریج از معامله سیاهان صرفنظر کردند و سپس بردگان را در مستعمرات خود آزاد ساختند. سالهای ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ و ۱۸۴۵ به سبب قراردادهای منعقد شده بین دو کشور فرانسه و انگلستان بر مسائل بردگی شهرت دارند.

کنگره برلن - این کنگره که در سال ۱۸۸۴-۸۵ به منظور تقسیم جغرافیائی افریقا برگزار شده بود ممنوعیت بردگی را منظور نظر قرارداد و لغو آنرا اعلام نمود. در کنگره بروکسل ۱۸۹۰ در همین راستا تصمیماتی اتخاذ گردید.

جامعه ملل - پس از جنگ جهانی اول میثاق جامعه ملل متفق، جهت

جلوگیری از اجحافات نظیر دادوستد بردگان در مواد ۲۲ و ۲۳ پیش-بینی‌هایی کرده است. میثاق در ماده ۲۲ بند ۵ اشعار میدارد «میزان نشو و ارتقای اقوام دیگری خاصه افریقای مرکزی ایجاب می‌نماید که دولت قیم تعهد اداره آن حدود را بنماید به شرط آنکه از عادات ردیه از قبیل «برده‌فروشی» و معامله اسلحه... جلوگیری بعمل آید... در سال ۱۹۲۴ کمیسیون موقتی درباره بردگی بدنبال مداخله ۱۹۲۱ دبیرخانه بین‌المللی کار در ژنو تشکیل شد و دو گزارش علیه بردگی در مستعمرات منتشر ساخت. گزارش‌ها سرانجام در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ به امضاء قرارداد مربوط به بردگی منجر گردید. کنفرانس ۱۹۲۹ به چاپ کتاب خاکستری از طرف کمیته‌ای مرکب از ۱۳ نفر کارشناس منتهی شد که بموجب آن تصمیم گرفته شد به کشورهای عضو «جامعه ملل» ورقه سؤال (کتاب سرخ) ارسال شود و این قبیل اقدامات بالاخره به انتشار کتاب آبی در سال ۱۹۳۰ کشانده شد.

سازمان ملل متحد و بردگی - منشور ملل متحد برابری انسانها را بدون تمایز از نظر نژاد، رنگ و مذهب اعلام داشته است که خود مفهومی ضد بردگی دارد. اکنون الغاء بردگی در حالی که متضمن منع کار اجباریست در ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده تأیید گردیده است. قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۵۶ غالب کشورهای عضو ملل متحد را متعهد نموده است که در سراسر قلمرو خود بردگی و برده‌فروشی و هر نوع عمل و ترتیب مشابه را ملغی نمایند.

امروزه با اینکه بردگی از صحنه مناسبات بین‌المللی رخت بر بسته اما آثار و بقایای آن به صورت پدیده شوم تبعیض نژادی در حقوق داخلی و عملکرد بعضی از جوامع درآمده است.

ضمیمه

قیامها و شورشهای بردگان افریقایی بین قرن‌های شانزدهم و نوزدهم (۲۵)

قیام مارونها (بردگان فراری) به رهبری هنریک، بر ضد اسپانیاییها در هیسپانیولا (۱) (هایتی امروز).	۱۵۱۹
قیام بردگان در جزیره هیسپانیولای اسپانیا.	۱۵۲۲
قیام در پورتوریکو	۱۵۲۷
قیام در پورتوریکو	۱۵۲۹
قیام در سانتاماریا (۲)	۱۵۲۹
قیام در مکزیکو	۱۵۳۰
قیام چهارم در پاناما	۱۵۳۱
قیام در پاناما و پرو	۱۵۵۰
قیام بینو Byno در امریکای مرکزی	۱۵۶۰
شورش بردگان فراری (مارونها)	۱۶۰۰
شورش در جزیره پرویدنس (۳)، نخستین شورش در یک کلنی انگلیسی «هند غربی»	۱۶۳۹
قیام ۱۵۰۰ برده فراری در جامائیکا	۱۶۵۵
نخستین طغیان بردگان افریقایی در جامائیکا	۱۶۶۳
۱۶۶۳-۱۷۳۸ بردگان فراری دائماً به بریتانیاییها حمله می‌کردند.	
بردگان جامائیکا در حالت دائمی شورش در جامائیکا بودند	۱۶۶۵
قیام در باربادو	۱۶۷۴
۱۶۷۹-۱۷۸۲ بردگان فراری درهایتی متشکل شده‌اند	
افریقاییها سربه‌شورش برمی‌دارند و بسیاری از آنها به کوهستانها می‌گریزند و به بردگان فراری می‌پیوندند. در نتیجه برده‌داران مجبور می‌شوند مدت چندماه حکومت نظامی برقرار کنند	۱۶۸۵

1- Hispaniola

2- Santa Maria

3- Providence Island

قیام بردگان در آنتیگا (۴)	۱۶۸۷
قیام بردگان در جامائیکا (یعنی بردگان فراری تره‌لاوانی) (۵)	۱۶۹۰
قیام درهائیتی	۱۹۶۱
توطئه در جامائیکا که در آن گویا شش خدمتکار ایرلندی شرکت داشتند	۱۶۹۲
شورش در باربادوس	۱۶۹۲
دو قیام در جامائیکا	۱۶۹۴
قیام در برزیل	۱۶۹۵
قیام در باربادوس	۱۷۰۲
جنگ سیاهان با فرانسویها در برزیل	۱۷۱۱
۱۷۱۵-۱۷۶۳ شورشهای سورینام Surinam	
شورش در برزیل	۱۷۱۸
۱۷۲۶-۱۷۲۸ جنگ بیرحمانه انگلیسها با بردگان فراری در جامائیکا	
فتنه بردگان در جامائیکا با بیرحمی سرکوب شد	۱۷۲۸
بردگان فراری سربازان بریتانیایی را شکست دادند.	۱۷۳۰
بریتانیا سکونت‌گاه بردگان فراری را گرفت ولی سال بعد مغلوب شد	۱۷۳۲
قیام در سنت جان (۶) (یکی از جزایر ویرجینیا)	۱۷۳۳
قیام بردگان در آنتیگا که در آن گفته می‌شد که سیاهان آزاد شرکت داشتند	۱۷۳۷
معاهده بریتانیا با بردگان فراری جامائیکا دایر بر تضمین آزادی و حق مالکیت آنها بر اراضی واقع بین شهر تره‌لاونی و کوک‌پیتس (۷) که بالغ بر ۱۵۰۰۰ آکر می‌شد	۱۷۳۹
قیام بزرگ در توباگو Tobago	۱۷۴۴

4- Antigua

5- Trelawney

6- St. John

7- Cockpits

توطئه میان بردگان در تره‌لاونی (جامائیکا)	۱۷۴۵
طغیان بردگان در شهر کرافورد (جامائیکا)	۱۷۵۴
قیام در جامائیکا به رهبری تاکی	۱۷۶۰
طغیان «سیاهان وحشی» (۸) در شهر کرافورد (جامائیکا)	۱۷۶۲
قیام کاریبه‌های سیاه (۹)	۱۷۶۳
شورش شدید بردگان سیاه در سورینام هلند	۱۷۶۵
سال شورشهای متعدد در جامائیکا	۱۷۶۵
نوامبر - کورومانتینها (۱۰) در جامائیکا سربه‌شورش برمی‌دارند	۱۷۶۵
بردگان جامائیکا که در هندوراس (۱۱) کار می‌کردند سر به شورش برداشتند و اربابانشان را کشتند	۱۷۶۶
کورومانتینها وست مورلند شورش کردند	۱۷۶۶
تنبیه بیرحمانهٔ بردگانی که برای شورش در مونسترآت (۱۲) همدست شدند	۱۷۶۸
سرکوبی وحشیانهٔ شورش بردگان در جامائیکا	۱۷۶۹
۱۷۷۰-۱۷۷۱ شورشهای شدید در توباگو (۱۳)	۱۷۷۰
کشف توطئه شورش بردگان در سنت کیتس (۱۴)	۱۷۷۰
قیام بردگان در سورینام	۱۷۷۲
طغیان بردگان در جامائیکا که به «طغیان سیاهان» معروف شده است	۱۷۷۳
توطئه بردگان و شورش در جامائیکا	۱۷۷۶
مردم هایتی به انقلاب ایالات متحده کمک می‌کنند	۱۷۷۹
معاهدهٔ فرانسه بابرندگان فراری	۱۷۸۰

8- Wild Negroes

9- Black Carib

10- Coromantyns

11- Honduras

12- Montserrat

13- Tobago

14- St. Kitts

قیام جیمز اوژه (۱۵) در سنت دومینگ (۱۶)	۱۷۹۰
قیام دیگر در سنت دومینگ	۱۷۹۱
انقلاب هایتی	۱۷۹۱-۱۸۰۳
غاز جنگ بردگان فراری در جامائیکا	۱۷۹۵
قیام در سنت لوسیا	۱۷۹۶
طغیان گابریل در هنریکو کانتی (۱۷)، ویرجینیا	۱۸۰۰
قیام سیاهان گادلوپ (۱۸) و اخراج فرماندار	۱۸۰۱
طغیان شدید در بخش شمالی کارولینای شمالی	۱۸۰۲
قیام بردگان در جامائیکا	۱۸۰۲
پس از اینکه بردگان احساس کردند که فریب قانون الغای بردگی را خورده‌اند سر به شورش برداشتند. آنها الغای بردگی را به جای آزادی گرفته بودند.	۱۸۰۷
قیام فردریکس بورگ (۱۹) به قیام پیوستند	۱۸۱۶
قیام بردگان در سنت فیلیپس پاریش (۲۰)، باربادوس	۱۸۱۶
اقدام به شورش در اوگوستا، جورجیا	۱۸۱۹
قیام دانمارک و بزی (۲۱) در چارلستون، کارولینای جنوبی	۱۸۲۲
شورش شدید بردگان در دمرارا (Demerara)	۱۸۲۳
بردگان در جامائیکا شورش کردند	۱۸۲۳
دوره ناآرامی مداوم در میان بردگان هند غربی	۱۸۲۳-۲۴
شورشهای برزیل	۱۸۲۸-۳۷
شورش بردگان در آنتیکا به علت جلوگیری از بازارهای یکشنبه	۱۸۳۱
قیام در جامائیکا به رهبری ساموئل شارپ (۲۲) طرفدار کلیسای	۱۸۳۱

15- James Oge

St. Domingue

17- Henrico County

18- Guadeloup

19- Fredricksburg

20- St. Philip's Parish

21- Denmark Veasy

22- Samuel Sharp

باپتیست (شدیدترین شورش در تاریخ جامائیکا)	
قیام نات تورنر (۲۳) در سوتامیتون کانتی، ویرجینیا	۱۸۳۱
طغیان در تره لاونی (جامائیکا)	۱۸۳۱
تمرد در هنگ هند غربی در ترینیداد (۲۴) به رهبری بردگان	۱۸۳۲
زاد شده‌ای که وارد ارتش شده بودند	
هایتی به کمک بولیوار Bolivar می‌آید.	۱۸۴۰-۴۵
قیام کوبا	۱۸۴۴
قیام دومینیکن	۱۸۴۴-۹۳
قیام در جامائیکا	۱۸۶۱
قیام دهقانی در مورانتبی جامائیکا (قیام مورانتبی)	۱۸۶۵
بردگان جان پاتیش (۲۵) بالای نئو اورلئان طغیانی به راه	۱۸۱۱
انداختند که فقط به کمک ارتش سرکوب شد	
انتونیو ماسئو (۲۶) سردار افرو - کوبایی مبارزه استقلال کوبا	۱۸۶۸
را هدایت می‌کند	
جنگ در کوبا	۱۸۹۵

23- Nat Turner

24- Trinidad

25- John Patish

26- Antonio Maceo

فهرست منابع و مآخذ

- آلبر مورل: انقلاب فرانسه ۱۷۸۷-۱۷۹۹ ج ۱، نصرالله کسرائیان. چاپ اول. تهران ۲۵۳۷.
- آلبر مورل: انقلاب فرانسه. ج ۲، نصرالله کسرائیان ۱۳۵۹. چاپ اول. تهران ۱۳۵۹.
- ابوالحمد، دکتر عبدالحمید: تحولات سیاستهای استعماری، پلی کپی، جزوه فوق لیسانس علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۱۳۴۶.
- افتخاری، دکتر قاسم: تئوری انقلابها، پلی کپی جزوه درسی کارشناسی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پانیکار. ك. م: آسیا و استیلای باختر: محمدعلی مهید. تهران ۱۳۴۷.
- دخانیاتی، ع: تاریخ افریقا. توکا، تهران ۱۳۵۸.
- دوورژه، موریس: جامعه شناسی سیاسی، دکتر ابوالفضل قاضی. جاویدان، چاپ اول، تهران ۱۳۵۸.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم: سیر قدرت در دریاها، پلی کپی، جزوه درسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران ۱۳۶۶.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم: دریا و قدرتهای استعمارگر و امپریالیستی، پلی کپی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران ۱۳۶۵.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم: تأسیسات حقوقی و سیاسی امپریالیستی. چاپخش. تهران ۱۳۶۸.
- راستین، دکتر منصور: از بردگی تا آزادی. ابن سینا، تهران ۱۳۴۵.
- راسل، برتراند: آزادی و سازمان. علی رامین، امیر کبیر، چاپ اول، تهران ۱۳۵۷.
- راین هارد کونل: لیبرالیسم. منوچهر فکری ارشاد. توس، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۷.

- سرمد، دکتر خسرو: کشف واستعمار افریقا. بنیاد، چاپ دوم، تهران. ۱۳۵۰.
- سنجابی، دکتر کریم: حقوق اداری ایران. به کوشش عباس فرید، تهران. ۱۳۴۲.
- سیمونز. اریک. ن: تاریخ تجارت. ابوالقاسم حالت، امیر کبیر، چاپ اول، تهران. ۱۳۶۲.
- شیبانی، دکتر نظام‌الدین: انقلاب واستقلال آمریکا. دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران. ۱۳۳۸.
- فرامرزی، احمد: بردگی در جهان، ابن سینا، تهران. ۱۳۴۷.
- کریستوفر، هیل: انقلاب انگلیس ۱۶۴۰، علی کشتگر، روزبهان، چاپ اول، تهران. ۱۳۵۷.
- مانتفیلد، آن: تجارت برده، محمود فلکی مقدم. گوتنبرگ، چاپ اول، تهران. ۱۳۵۷.
- میتروپولسکی. د. ک - زوبرتیسکی. ی ا: زمینه تکامل اجتماعی، جلد ۱ و ۲، م. مینوخرد - ح کامرانی، سیمرغ ۱۳۵۲، چاپ اول، تهران. ۱۳۵۲.
- موریس لانزله: بردگی. حبیب‌الله فضل‌اللهی. سازمان نشر فرهنگ انسانی. تهران. بی‌تا.
- میرفندرسکی، احمد: پیدایش و سقوط امپراتوری پرتغال در هند. ابن سینا، چاپ اول، تهران. ۱۳۴۱.
- نوئیز آلان و...: آمریکا چگونه آمریکا شد. دکتر محسن رهنما. چاپ تابان، تهران. بی‌تا.
- نیازمند، یدالله: تاریخ بردگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۹.
- و. والین و...: تاریخ فرانسه ج ۱ و ۲، پیشرو، چاپ اول، تهران. ۱۳۶۶.
- یفیموف: انقلاب بورژوازی در انگلستان، حسین محمدزاده، ققنوس، چاپ اول، تهران ۱۳۵۸.